

تاجتھا

پژوہش نامی فقیہی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

نماز و روزہ کثیر السفر با سرعت غیر متعارف^۱

داود عابدی اردکانی^۲

چکیده

حکم اولی افرادی مانند کرایہ دهندگان چارپایان (مکاری)، شتربانان (جمال)، پیک‌های نامہ بر (برید) و رانندگان، اتمام نماز و گرفتن روزہ است؛ اما در روایت‌های معتبره برای این حکم، تقییدی مطرح شده است، به این صورت که اگر این افراد در سیر خود سرعت غیر متعارفی را در پیش بگیرند که در اصطلاح روایت‌ها به این حالت حرکتی «الجد فی السیر» گفته می‌شود باید نماز خود را قصر بخوانند و افطار کنند. برخی از فقیهان نسبت به این روایت‌ها ادعای اعراض کرده و بر طبق آن فتوا نداده‌اند. این نوشتار در صدد بررسی سندی و دلالی روایات «الجد فی السیر» و ادعای اعراض اصحاب از آنهاست. نوشتار پیش رو با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و اجتهادی با بررسی نظرهای گوناگون در این باره به این نتیجه می‌رسد که با توجه به صحت روایت‌های این مسأله و عدم اعراض اصحاب از فتوای

تاجتھا
پژوہش نامی فقیہی

نماز و روزہ کثیر السفر با سرعت غیر متعارف

تاریخ تایید: ۹۴/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۷/۰۱

۲. مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم و پژوهشگر مرکز فقهی امام محمدباقر (ع) Abediardakani57@mihanmail.ir

بر طبق این روایت‌ها باید روایت‌های اولیه‌ای را که دلالت بر تمام‌بودن نماز افراد پیش گفته دارند به وسیله این روایت‌ها تقیید کرد؛ در نتیجه این افراد در صورتی که به‌طور معمول و با سرعت متعارف به سفر می‌روند، نمازشان تمام و روزه‌شان صحیح است؛ اما در صورتی که با سرعت غیر متعارف حرکت می‌کنند، نمازشان حتی در منزل هم شکسته است و روزه خود را نیز باید افطار کنند.

واژگان کلیدی: نماز مسافر، روزه مسافر، کثیر السفر، جد فی السیر، اعراض اصحاب.

مقدمه

یکی از مسائلی که در ضمن بحث کثیر السفر در روایت‌ها طرح شده، این مسأله است که اگر مکاری و جمال و مانند آنها در راه، جد فی السیر داشته باشند، نمازشان قصر است که در حقیقت این بحث استثنایی برای حکم اتمام نماز در مانند مکاری - که در اصطلاح فقه امروزی به آنها کثیر السفر گفته می‌شود - است. برای روشن شدن همه‌سویه بحث باید به بررسی روایت‌ها، معنای دقیق تعبیر «الجد فی السیر» و جایگاه این حکم در بین فقیهان پرداخت.

روایت‌های مسأله

شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه در بابی با عنوان «بَابُ وَجُوبِ الْقَصْرِ عَلَى الْمُكَارِي وَ الْجَمَالِ إِذَا جَدَّ بِهِمَا السَّيْرُ»^۱ روایت‌های مربوط به این بحث را آورده است. لازم است این روایت‌ها به همین ترتیب، ولی از منابع اولیه و سائل نقل گردد:

۱. سعد عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن فضالة عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم عن أحدهما قال: الْمُكَارِي وَ الْجَمَالُ إِذَا جَدَّ بِهِمَا الْمَسِيرُ فَلْيَقْصُرُوا؛ چهارپادار و شتربان که به دنبال شتران در حرکت است، هنگامی که جد سیر کردند، باید نماز را شکسته بخوانند.^۲

۲. عنه [سعد] عن أحمد عن الحسين عن فضالة عن أبان بن عثمان عن الفضل بن عبد الملك قال: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْمُكَارِيْنَ الَّذِيْنَ يَخْتَلِفُونَ. فَقَالَ إِذَا جَدُّوا السَّيْرَ فَلْيَقْصُرُوا؛ از امام صادق علیه السلام در مورد چهارپادارانی که رفت و آمد می‌کنند پرسیدم، حضرت فرمودند: هنگامی که جد سیر کردند، باید نماز را شکسته بخوانند.^۳

۱. حرّ عاملی، وسائل، ج ۸، ص ۴۹۰.

۲. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۱۵؛ استبصار، ج ۱، ص ۸۳۰.

۳. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۵۲۹.

۳. سعد عن أحمد عن عمران بن محمد الأشعري عن بعض أصحابنا يرفعه إلى أبي عبد الله قال: الْجَمَّالُ وَالْمُكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِمَا السَّيْرُ فَلْيَقْصُرَا فِيمَا بَيْنَ الْمَنْزِلَيْنِ وَيَتَمَّا فِي الْمَنْزِلِ؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: چهارپادار و شتربان که بدنبال شتران در حرکت است، هنگامی که در بین دو منزل جد سیر کردند، باید نماز را شکسته بخوانند و در منزل کامل بخوانند.^۱

۴. وَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: الْجَمَّالُ وَالْمُكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِمَا السَّيْرُ قَصَّرَا فِيمَا بَيْنَ الْمَنْزِلَيْنِ وَ أَتَمَّا فِي الْمَنْزِلَيْنِ؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: چهارپادار و شتربان که بدنبال شتران در حرکت است هنگامی که جد سیر کردند، بین دو منزل نماز را شکسته می خوانند و در منزل ها کامل می خوانند.^۲

۵. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ وَ فِي رِوَايَةِ أُخْرَى الْمُكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ فَلْيَقْصُرْ قَالَ وَ مَعْنَى جَدَّ بِهِ السَّيْرُ جَعَلَ الْمَنْزِلَيْنِ مَنْزِلًا؛ هنگامی که چهارپادار جد سیر کرد، باید نماز را شکسته بخواند و فرمود: معنای جد سیر کردن این است که دو منزل (مبدأ و مقصد) را منزل خود قرار دهد.^۳

۶. عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُكَارِينِ الَّذِينَ يَخْتَلِفُونَ إِلَى النَّبْلِ، هَلْ عَلَيْهِمْ تَمَامُ الصَّلَاةِ؟ قَالَ إِذَا كَانَ مُخْتَلِفُهُمْ فَلْيَصُومُوا وَ لِيُسْمُوا الصَّلَاةَ إِلَّا أَنْ يَجِدَّ بِهِمُ السَّيْرُ فَلْيُقْطِرُوا وَ لِيَقْصُرُوا؛ از امام کاظم عليه السلام در مورد چهارپادارانی که به نیل رفت و آمد می کنند پرسیدم آیا باید نمازشان را تمام بخوانند؟ فرمودند: اگر محل رفت و آمد آنان است، باید روزه بگیرند و نماز را تمام بخوانند، مگر اینکه جد سیر کنند که در این صورت باید افطار کنند و نماز را شکسته بخوانند.^۴

بررسی سندی روایت ها

در اعتبار روایت اول از محمد بن مسلم و روایت دوم از فضل بن عبد الملك شکی نیست و همه راویان آن از ثقاتند. روایت سوم از عمران بن محمد اشعری مرفوع و روایت چهارم از فقیه مرسل و روایت پنجم از کافی موقوف است. روایت ششم تابع صحت استناد کتاب علی بن جعفر به وی است؛ اما در این مضمون که مکاری و جمال- که از این به بعد از آنها با تعبیر افراد کثیر السفر یاد می شود- اگر جد فی السیر داشته باشند، نمازشان شکسته خواهد شد، شکی نیست.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۱۵.
۲. صدوق، فقیه، ج ۱، ص ۴۴۰.
۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۳۷.
۴. علی بن جعفر، مسائل، ص ۱۱۵.

بررسی دلالتی روایت‌ها

این روایت‌ها بر موضوع «من جد فی السیر» احکامی بار کرده‌اند. در مجموع برای کثیر السفیری که «جد فی السیر» کند در روایت‌های پیش‌گفته سه حکم بیان شده است:

الف: حکم قصر نماز به صورت مطلق که از روایت اول، دوم و پنجم به دست می‌آید و با توجه به این‌که همواره قصر نماز با افطار ملازم است، می‌توان گفت که این روایت‌ها بر قصر در نماز و افطار روزه دلالت دارند؛ در نتیجه با روایت ششم هم‌محتوا می‌شوند.

ب: حکم به قصر نماز در راه و اتمام آن در منزل است که مضمون مرفوع و مرسله شیخ صدوق است.

ج: حکم قصر نماز و افطار روزه است که از روایت ششم به دست می‌آید. با توجه به ضعف سندی مرفوع و مرسله شیخ صدوق که بر حکم دوم دلالت دارد یگانه چیزی که از این روایت‌ها به دست می‌آید این است که کسانی که کثرت سفر آنها را از حکم مسافر خارج کرده بود؛ یعنی باید نماز را تمام می‌خواندند و روزه می‌گرفتند، اگر در سیر خود جدّ - که معنای آن خواهد آمد - کنند باید نمازشان را به صورت قصر خوانده و افطار کنند و دوباره حکم مسافر بر آنها بار خواهد شد.

موضوع این احکام عنوان «الجد فی السیر» است. این تعبیر در برخی روایت‌های دیگر نیز آمده که برخی از آنها را عامه نیز نقل کرده‌اند؛ آن روایت‌ها از این قرارند:

۱. وَ كَانَ عَلِيٌّ يُؤْتِرُ عَلِيَّ رَاحِلَتِهِ إِذَا جَدَّ بِهِ السَّيْرُ؛ حضرت علی علیه السلام وقتی جد در سیر می‌کرد، نماز وتر را در حالی که بر مرکب خود سوار بود، می‌خواند.^۱
۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْبَيْدَاءِ فَقَالَ الْبَيْدَاءُ لَا يُصَلِّي فِيهَا... قُلْتُ... فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ حَدَّثَهُ؟ فَقَالَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِذَا بَلَغَ ذَاتَ الْجَيْشِ جَدَّ فِي السَّيْرِ ثُمَّ لَمْ يُصَلِّ حَتَّى يَأْتِيَ مَعْرَسَ النَّبِيِّ؛ بزنتی می‌گوید از امام رضا علیه السلام درباره نماز در بیدا - منطقه‌ای بین مکه و مدینه - پرسیدم. حضرت فرمود: در آن نماز خوانده نمی‌شود. گفتم: مرز بیدا تا کجاست؟ فرمود: حضرت باقر علیه السلام وقتی به منطقه ذات الجیش^۲ می‌رسید، جدّ در سیر داشت و نماز

۱. حمیری، قرب الإسناد، ص ۱۱۵.

۲. انتهای مرز بیداء برای کسی که به سمت مدینه می‌رود و در روایت‌ها آمده است که لشکر سفیانی در این منطقه در زمین فرو می‌روند؛ البته در برخی معانی ذات الجیش را همان بیداء گرفته‌اند و این‌که حضرت در بیان حد بیداء می‌فرماید «حضرت باقر علیه السلام وقتی به ذات الجیش - و نامی از بیداء نمی‌برند - می‌رسید تند می‌رفت»، تأییدکننده همین وحدت است.

نمی خواند تا به معرس النبى ﷺ برسد.^۲

۳. علي بن ابراهيم عن محمد بن عيسى عن يونس عن يزيد بن خليفة قال: قلت لأبي عبد الله إن عمر بن حنظلة أتانا عنك بوقت. قال فقال أبو عبد الله: إذا لا يكذب علينا قلت قال وقت المغرب إذا غاب القرص إلا أن رسول الله كان إذا جد به السير أحر المغرب وجمع بينهما وبين العشاء فقال صدق؛ يزيد بن خليفة می گوید: به امام صادق عليه السلام گفتم: عمر بن حنظله از طرف شما وقتی را برای ما معین کرده است. حضرت فرمود: در این صورت پس وی دروغ نگفته است. گفتم وی گفت: وقت نماز مغرب وقتی است که قرص خورشید غروب کند؛ مگر آنکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی جد در سیر داشت، نماز را تأخیر می انداخت و بین نماز مغرب و عشاء جمع می کرد؛ سپس حضرت فرمود: عمر بن حنظله درست گفته است.^۳

این روایت در منابع عامه نیز آمده است به همین مناسبت تعدادی از لغوی ها این روایت را برای بیان معنای «الجد فی السیر» در کتاب های خود آورده اند که در معانی لغوی ها به آن اشاره خواهد شد.

در معنای این تعبیر به علت وجود روایتی از طریق عامه، چند لغوی دقیق ذیل آن روایت، این ترکیب را معنا کرده اند؛ جدا از این که برخی فقیهان شیعه نیز در معنای آن اظهار نظر کرده اند.

ابن اثیر در نهاییه، ابن منظور در لسان العرب و زبیدی در تاج العروس بعد از نقل سیره نبوی «كان رسول الله ﷺ إذا جد في السير جمع بين الصلاتين؛ پیامبر خدا هنگامی که جد در سیر می کردند، نمازها را به صورت جمع می خواندند.» در بیان معنای جد فی السیر گفته اند: «نسبت به آن اهتمام ورزید و در آن شتاب کرد».^۴

در مواردی دیگر در بیان معنای «جد فی السیر» گفته شده «و أجد في السير: انكماش فيه»^۵ و در معنای کمش آمده است: «الكمش و الكميش: الرجُل السريع، يُقال: رجُلٌ كمش و كميش، أي عزمٌ ماضٍ سريع في أموره» یعنی کسی که به سرعت در امرش عبور کند.^۶

۱. موضعی در مسجد شجره.

۲. مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۵، ص ۲۹۲.

۳. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۷۹.

۴. ابن اثیر، نهاییه، ج ۱، ص ۲۴۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۱۱۳؛ حسینی، تاج العروس، ج ۴، ص ۳۷۹.

۵. صاحب بن عباد، محیط، ج ۶، ص ۳۹۲.

۶. حسینی، تاج العروس، ج ۹، ص ۱۸۷.

در برخی دیگر از موارد در معنای «اجلَعَبَّ فِي السَّيْرِ» آن را معادل «جَدَّ» دانسته و گفته اند: «اجلَعَبَّ فِي السَّيْرِ»^۱ و با مراجعه به معنای «اجلَعَبَّ» می‌یابیم که به سرعت در سیر تفسیر شده است: «والمُجَلِّعَبَّ: کسی که با عجله می‌رود».^۲

بنابراین با این تفسیرها روشن می‌شود که ترکیب «الجد فی السیر» در حقیقت به معنای تندروی در حرکت، با سرعت غیر معمول حرکت کردن و عجله در پیمودن راه است و می‌توان همین معنا را از روایت‌های دیگری که درباره جمع خواندن نمازها به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، سواره وتر خواندن حضرت امیر مؤمنان علیه السلام و فرار حضرت باقر علیه السلام از منطقه ذات الجیش به دست آورد؛ چراکه این رفتارها در حالتی بوده است که حضرات سریع و تند حرکت می‌کردند و عجله در رفتن داشتند.

با توجه به حکم و موضوع روایت‌ها، دلالت آنها به این صورت می‌شود: افرادی که کثرت سفر دارند و از جهت حکم مانند حاضر بوده و نماز تمام و روزه داشتند، اگر در سفر راه خود را با عجله و سرعت پیمایند یا به تعبیر علامه مجلسی «هر گاه سفر را به تعجیل روند»^۳ دوباره حکم مسافر پیدا خواهند کرد و باید نمازشان را شکسته خوانده و روزه خود را افطار کنند.

دیدگاه فقها درباره روایت‌ها

بعد از روشن شدن صحت سند و دلالت این روایت‌ها بر این‌که افراد کثیر السفر اگر جدّ در سیر داشته باشند، نمازشان شکسته می‌شود؛ این پرسش مطرح می‌شود که آیا فقیهان به تقیید روایت‌های اولی حکم کثیر السفر به وسیله این روایت‌ها فتوا داده‌اند یا از آن اعراض نموده‌اند.^۴ صاحب جواهر ضمن اشاره به اشکال دلالتی و سندی این روایات به اعراض فقیهان پرداخته و مدعی است کسی غیر از شیخ در تهذیب و استبصار بدان عمل نکرده است.^۵

۱. جوهری، تاج اللغة، ج ۱، ص ۱۰۱؛ حسینی، تاج العروس، ج ۱، ص ۳۷۷.

۲. خلیل، العین، ج ۲، ص ۳۲۴؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۷۴.

۳. صاحبقرانی، لوامع، ج ۵، ص ۲۵.

۴. برخی افراد مانند شیخ کلینی و شیخ طوسی اصل فتوا بر اساس این روایت‌ها را پذیرفته‌اند؛ اما به جهت مرفوعه، بین منزل و راه تفصیل داده‌اند که این فقیهان را نیز جزو فتوادهندگان بر اساس این روایت تلقی کرده‌ایم؛ چون اینها حکم به تقیید روایت‌های اولیه داده‌اند؛ به خلاف اشخاصی مانند علامه که این روایت‌ها را بر محملی سوار کرده که هیچ تنافی با روایات اولیه نداشته باشد.

۵. نجفی، جواهر، ج ۱۴، ص ۲۷۲.

بررسی این ادعا در گرو مراجعه به نظرگاه‌های فقهاست:

۱. شیخ کلینی: وی در بابی که برای روشن کردن تکلیف نماز برخی افراد در نظر گرفته شده است، بعد از نقل دو روایتی که حکم نماز مکاری را تمام می‌داند، روایت قصر هنگام جد فی السیر را می‌آورد. سپس به دلالت روایت اشاره کرده و آن را بر اشخاصی که منزل‌های بین راه را دو تا یکی می‌کنند حمل می‌کند.^۱

اینکه وی درست بعد از روایت‌های مکاری، این روایت را آورده نشان از این دارد که این روایت را مکمل حکم مکاری می‌دانسته، به‌ویژه با توجه به اینکه وی بعد از بیان روایت آن را معنا کرده است، می‌توان ظاهر کلامش را در پذیرش روایت دانست، همان‌طور که بسیاری از فقیهان بزرگ این نسبت را به وی داده‌اند که به کلامشان اشاره خواهد شد.

البته کلینی در تفسیر معنای «الجد فی السیر» معنای «دو منزل را یکی کردن» را مطرح می‌کند که اثری از آن در لغت وجود ندارد. محقق خوبی^۲ آن را اجتهاد وی و بی‌ارزش تلقی کرده است، البته این تفسیر در موضوع است و در حکم - که عمده بحث است - اثری ندارد.

۲. شیخ طوسی: شیخ هم در تهذیب و هم در استبصار بعد از نقل دو روایت محمد بن مسلم و فضل بن عبد الملک - که روایت‌های معتبر بحثند - به معنای شیخ کلینی اشاره می‌کند و روایت‌ها را بر همان حمل می‌کند.^۳

البته خود مرفوع محمد بن عمران را شاهد بر این می‌گیرد که این حکم فقط درباره راه است و در منزل حکم به اتمام نماز می‌کند. وی هر چند به تمام مقتضای روایت‌های معتبر «جد فی السیر» عمل نکرده و آن را با مرفوع تقييد کرده است؛ اما به هر حال این نشان می‌دهد که وی نیز با این تفسیر، به محتوای آن روایت‌ها فتوا می‌دهد.^۴

علامه حلی^۵ با آنکه خود این روایت‌ها را بر موردی حمل می‌کند که این افراد قصد اقامه عشره داشته باشند؛^۶ اما می‌پذیرد که شیخ کلینی و شیخ طوسی این روایت‌ها را پذیرفته‌اند. شهید ثانی نیز که خود طبق این روایت‌ها فتوا نمی‌دهد؛ اما در قضاوت نسبت به فتوای

۱. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۳۷.

۲. خوبی، موسوعة، ج ۲۰، ص ۱۶۰.

۳. طوسی، تهذیب، ج ۳، ص ۲۱۵.

۴. همان.

۵. علامه حلی، مختلف، ج ۳، ص ۱۰۷.

۶. در توضیح علامه باید گفت: مراد وی این است که وقتی مکاری و جمال، اقامه عشره می‌کنند، در سفر اول نمازشان قصر خواهد بود.

شیخ کلینی و شیخ طوسی می‌گویند وجهی که این دو فقیه انتخاب کرده‌اند، هر چند خلاف ظاهر است؛ اما به خاطر روایت مرفوع محمد بن عمران اشعری است.^۱ بنابراین وی نیز مانند علامه به فتوادادن شیخ کلینی و شیخ طوسی اذعان کرده؛ در حالی که صاحب جواهر عمل به این روایت‌ها را فقط به شیخ طوسی نسبت داده است. توجه به این نکته لازم است که شیخ کلینی بعد از نقل روایت، فقط معنای آن را گفته است^۲ و دیگر محملی برای روایت‌ها بیان نکرده است که ظاهرش پذیرش تقیید روایت‌های اولیه کثیر السفر به روایت‌های جدّ فی السیر است؛ اما شیخ طوسی بعد از این که این تفسیر معنایی را از کلینی می‌آورد، خود محملی را بیان کرده که همان تفصیل بین منزل و راه است و قرینه این حمل را مرفوع محمد بن عمران اشعری می‌داند. بنابراین در کلام شیخ کلینی حکم «فَيَقْصُرُ فِي الطَّرِيقِ وَيُتِمُّ فِي الْمَنْزِلِ» در راه، نماز قصر و در منزل نماز تمام است» وجود ندارد، بلکه این حمل نظر شیخ طوسی است؛ اما با کمال تعجب در کلام بسیاری از فقیهان این حمل را به شیخ کلینی نسبت داده و شیخ طوسی را تابع وی تلقی کرده‌اند. نمونه‌ای از این نسبت در کلام علامه حلی و شهید ثانی وجود دارد. این نسبت بعد از این بزرگان تلقی به قبول شده و بسیاری مانند محقق اردبیلی^۳ آن را نقل کرده‌اند، در حالی که این حمل از شیخ طوسی است و شیخ کلینی فقط معنای عبارت را گفته است. البته ممکن است نکته این برداشت به چگونگی بیان شیخ طوسی برگردد که بدون فاصله بعد از بیان عبارت شیخ کلینی عبارت خود را آورده است، به طوری که خواننده تلقی می‌کند که تمام کلام از شیخ کلینی است که این شبهه با مراجعه به کافی حل خواهد شد.

۳. شیخ صدوق: شیخ صدوق در فقیه بابی به نام «الصلاة فی السفر» آغاز کرده است. در این باب چند روایت درباره مکاری، ملاح و جمال آورده و بعد از این روایت‌ها، روایتی را طرح می‌کند که احکام مربوط به اقامه این افراد را بیان می‌کند و به عنوان دومین روایت از احکام این افراد، این روایت را می‌آورد:

وَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام الْجَمَالُ وَالْمَكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِمَا السَّيْرُ قَصْرًا فِيمَا بَيْنَ الْمَنْزِلَيْنِ وَ أَمَّا فِي الْمَنْزِلَيْنِ؛ امام صادق عليه السلام فرمودند: چهارپا دار و شتربان زمانی که جد در سیر داشته

۱. شهید ثانی، *روض الجنان*، ج ۲، ص ۱۰۴۰.

۲. وَ مَعْنَى جَدَّ بِهِ السَّيْرُ يَجْعَلُ مَنْزِلَيْنِ مَنْزِلًا. کلینی، *کافی*، ج ۳، ص ۴۳۷.

۳. اردبیلی، *مجمع الفائدة*، ج ۳، ص ۳۹۴.

باشند، در بین دو منزل باید نماز را شکسته بخوانند و در منزل تمام بخوانند.^۱

وی در مقدمه کتاب فقیه می نویسد:

مانند مصنفین دیگر در صدد بیان هر آنچه که روایت شده است نیستیم، بلکه قصد من ذکر روایاتی است که طبق آنها فتوا می دهیم و حکم به صحت آنها می کنم و اعتقاد دارم که آنها حجت بین من و خدای متعال هستند.^۲

به نظر می رسد مقصودش این است که روایت های مفتی به خود را در آن کتاب نقل کرده و با توجه به جایگاه روایت که حالتی تقييدگونه بعد از طرح اصل حکم مکاری و مانند آن دارد، باید وی را جزو کسانی شمرد که بر طبق این روایت فتوا داده اند.

۴. شهید اول: وی به اعتبار این روایت ها اذعان کرده است و برای این حکم نیز حکمتی به این صورت بیان می کند که عسر - که حکمت قصر نماز در سفر است - در این سفرها حتی برای افرادی که کثیر السفر هستند نیز وجود دارد؛ بنابراین حکم مسافر دوباره بار می شود. وی در ابتدا محملی برای این روایت ها درست می کند که در عمل رد کردن روایت ها به قواعد دیگر است. وی می نویسد:

احتمال دارد مراد این باشد که تا زمانی که در کمتر از مسافت شرعی تردد می کنند یا در مسافتی که قصد نکرده اند، تمام بخوانند. و زمانی که قصد مسافت شرعی کردند، باید شکسته بخوانند.^۳

فقیهان همین حمل را به شهید نسبت داده اند و وی را از مخالفان محتوای این روایت ها شمرده اند؛ اما وی بعد از نقل فرمایش شیخ کلینی و شیخ طوسی می نویسد:

به هر حال، امر نسبت به چهارپادار و شتربان از دو حال خارج نیست، یا هر دو منزل را منزل خود قرار می دهند یا خیر. اگر منزل خود قرار دهند، باید شکسته، وگرنه تمام بخوانند. شاید مطلب ذکر شده به دلیل مشقت شدید ای است که بدین وسیله متحمل می شوند؛ زیرا از طی کردن عادی خارج شده اند.^۴

بعید نیست این نظر نهایی وی بوده و فتوا بر اساس این روایت ها باشد.

تعدادی از فقیهان تراز اول از متأخر المتأخرین نیز به فتوا دادن بر اساس این روایت ها رو

۱. صدوق، فقیه، ج ۱، ص ۴۴۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۳.

۳. شهید اول، ذکری، ج ۴، ص ۳۱۷.

۴. همان، ص ۳۱۸.

آورده‌اند؛ در حالی که صاحب جواهر گفته است^۱ در تمام طایفه فقط شیخ طوسی بر اساس این روایت‌ها فتوا داده است. در این جا به برخی از این فتواها اشاره می‌شود.

۵. محقق اردبیلی: وی با رد حمل این روایت‌ها به وسیله علامه حلی بر جایی که قصد عشره کرده باشند، همان فرمایش شیخ طوسی و شیخ کلینی را می‌پسندد و در توجیه این استثنا از حکم کثیر السفر، همان نکته شهید اول را مطرح کرده و معتقد است شاید دلیلش این باشد که این افراد هنگامی که از سفر عادی - که برای آنان به منزله وطن است - به دلیل سرعت غیر عادی خارج می‌شوند و در امری که نسبت به آنان جدید است داخل می‌شوند و آن عبارت از سفر سریع است. بنابراین حکم مسافر را دارند.^۲

۶. سبزواری: وی با پذیرش کامل روایت؛ یعنی حتی بدون تفسیر شیخ کلینی - که جد السیر را به دو تا یکی کردن منزل تفسیر کرد - بلکه به همان معنایی که از لغت استفاده می‌شود که این سفری است که سرعت مسافر از حد عادی زیادتر باشد و به طور کامل مناسب با ظاهر روایت بر اساس این روایت فتوا داده و بر طبق قواعد، روایت‌های اولیه اتمام نماز کثیر السفر را با این روایت تقیید می‌کند.^۳

۷. فیض کاشانی: وی بعد از اشاره به حکم اولیه کثیر السفر به استثنای حالت «جد فی السیر» اشاره کرده و از حمل این روایت‌ها به محامل خلاف ظاهر به وسیله اصحاب اعتراض کرده و سرانجام با این روایت‌ها، روایت‌های اولیه را تخصیص می‌زند.^۴

۸. صاحب مدارک: وی نیز بعد از طرح این بحث و بیان محامل فقیهان از این روایت‌ها تمام آنها حتی محمل جدش شهید ثانی را بعید شمرده و در مقام فتوا می‌نویسد:

احتمال قوی در این است که در فهم مراد از جد سیر به عرف رجوع کنیم و قول به وجوب شکسته خواندن نماز در این حالت به دلیل مشقتی است که متحمل می‌شوند.^۵

۹. صاحب حدائق: وی بعد از بحثی مفصل، نظر فیض را پذیرفته و می‌نویسد:

قول أقرب نزد ما همانی است که عده‌ای از فضلائی متأخر متأخران قائل شده‌اند که ظاهراً

۱. البته تذکر این نکته اقتضای انصاف است که صاحب جواهر متوجه قول‌های بعضی متأخرین بوده است؛ همان طور که به فتوای صاحب مدارک و محقق اردبیلی اشاره می‌کند (نجفی، جواهر، ج ۱۴، ص ۲۷۲)؛ اما این را در رفع اعراض کافی نمی‌شمارد؛ اما همان فتوای صاحبان کتاب‌های اربعه برای عدم اعراض کافی است؛ جدای از این که متأخرین نیز تلقی به اعراض نداشته‌اند.

۲. اردبیلی، مجمع الفائدة، ج ۳، ص ۳۹۴.

۳. سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۴۱۰.

۴. فیض کاشانی، معتصم الشیعة، ج ۱، ص ۱۵۱.

۵. عاملی، مدارک، ج ۴، ص ۴۵۶.

اولین آن‌ها سید سند در مدارک و محقق شیخ حسن در منتقی و محدث کاشانی و دیگرانند. آنها معتقدند مراد جایی است که طی مسافت از حالت عادی زیادتیر باشد، به صورتی که مشتمل بر تحمل مشقت شدید باشد و قول به وجوب شکسته خواندن نیز به دلیل همین مشقت است.^۱

۱۰. وحید بهبهانی: وی نیز هر چند می‌گوید که حکم کردن بر اساس این روایت‌ها خلاف مشهور است؛ اما بر اساس ظاهر این روایت‌ها فتوا می‌دهد. وی در شمار شرایط شکسته شدن نماز مسافر می‌نویسد:

یکی از شرایط شکسته خواندن نماز این است که مسافر قصد آن مسافت را کرده باشد و این قصد به صورت مستمر تا انتهای آن ادامه داشته باشد... و اینکه سفر شغل او نباشد، مگر در جایی که جد سیر کند و متحمل مشقت شدیده شود چنانکه در دو روایت صحیح وارد شده است. البته این مطلب خلاف مشهور است.^۲

۱۱. میرزای قمی: وی نیز در قضاوت نسبت به عملکرد مانند شیخ کلینی در عمل به روایت و مشهور که به روایت عمل نکرده است، عمل به روایت را ترجیح می‌دهد: شیخ کلینی و جماعتی از متأخرین بر خلاف مشهور، بر طبق این روایت عمل کرده‌اند و اشکالی هم در آن نیست، به دلیل اینکه سند روایات معتبر است.^۳

۱۲. محقق نراقی: وی نیز بعد از نقل توجیه‌ها و محمل‌های خلاف ظاهر اصحاب، نظر به عمل و فتوا به روایت‌ها دارد. عبارت وی حاوی مطالب نیکویی است:

اما اینکه تفسیر کنیم به اینکه سیر آنها مانند سفر حج و زیارت مستمر باشد یا اینکه بعد از اقامت، سفری جدید برای آنها حاصل شود، مانند سایر تفاسیری که در آن شده است، خلاف ظاهر است و ظاهر روایت همانی است که ما ذکر کردیم و کلینی و شیخ و جماعتی از متأخران که از جمله آنها مدارک و منتقی و محدث کاشانی و فاضل هندی و صاحب ذخیره و صاحب حدائق است بدان عمل کرده و برخی از فضلاء معاصر نیز بر اساس آن فتوا داده‌اند.^۴

۱۳. شیخ انصاری: وی نیز ابتدا محامل بعیده مطرح شده درباره روایت‌ها را نقد کرده و سرانجام با این عبارت فتوای محقق اردبیلی بر طبق روایات شکسته شدن نماز را می‌پسندد:

۱. بحرانی، حدائق، ج ۱۱، ص ۳۹۴.

۲. بهبهانی، مصابیح الظلام، ج ۲، ص ۱۳۰.

۳. میرزای قمی، غنائم الأيام، ج ۲، ص ۱۲۰.

۴. نراقی، مستند الشیعة، ج ۸، ص ۲۸۹.

به هر حال بعید نیست همانطور که محقق اردبیلی و تابعین ایشان به ظاهر این روایات عمل کرده‌اند و حکم داده‌اند به اینکه هرکس از آنها جد سیر کند به دلیل اینکه از سفر عادی خارج شده است، باید نمازش را شکسته بخواند، ما هم بپذیریم. بنابراین این روایات اختصاص به جایی که شخص هر دو منزل را به عنوان منزل خود قرار داده باشد، ندارد.^۱

در مقابل برخی برای روایات محمل‌هایی بیان کرده‌اند که همگی خلاف ظاهر است. برخی از این محمل‌ها در ادامه بیان می‌شود.

علامه در مختلف این روایت‌ها را با تعبیر «الأقرب» بر جایی حمل می‌کند که شخص کثیر السفر قصد اقامه عشره ایام داشته باشد.^۲ شهید اول برای تعبیر «جد السیر» در این روایت‌ها چند محمل تصویر کرده است: الف: حمل روایت بر سفر غیرشغلی؛ ب: حمل روایت بر تردد تا پیش از مسافت شرعی؛ ج: حمل روایت بر عدم قصد مسافت شرعی.^۳ شهید ثانی این روایت‌ها را بر اشخاصی حمل می‌کند که در آینده کثیر السفر می‌شوند؛ اما هنوز عنوان کثیر السفر برای آنها محقق نشده است.^۴

البته به نظر می‌رسد ادعای اعراضی که صاحب جواهر طرح کرده، اثرگذار بوده و معاصران نیز به علت جایگاه عظیم این کتاب آن را تلقی به قبول کرده‌اند؛ بنابراین بر وفق روایت‌های جد السیر فتوا نداده‌اند، به طوری که بر فتوای سید یزدی به اینکه «فرقی بین کسی که جد سیر در سفر کرده باشد - بدین معنا که هر دو منزل را منزل خود قرار داده باشد - و بین کسی که چنین نباشد، نیست» کسی از فقیهان حاشیه ندارد.^۵

نتیجه آنکه با توجه به فتوای عده‌ای از فقها که اغلب پیش از صاحب جواهر هستند، روشن می‌شود که ادعای اعراض طایفه از فتوا به این روایت‌ها درست نیست.

جریان جد فی السیر در سفرهای امروزی

اگر کسی دلالت این روایت‌ها را بپذیرد و بر طبق آن فتوا دهد، پذیرفته است که سرعت بیش از حد معمول باعث می‌شود حکم نماز کثیر السفر مانند حکم نماز مسافر شود؛ اما آیا این

۱. شیخ انصاری، کتاب الصلاة، ج ۳، ص ۴۰.

۲. علامه حلی، مختلف، ج ۳، ص ۱۰۷.

۳. شهید اول، ذکری، ج ۴، ص ۳۱۸.

۴. شهید ثانی، روض الجنان، ج ۲، ص ۱۰۳۹.

۵. سید یزدی، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۳۱.

نظر در حکم مسافرت‌های این عصر که با سرعت‌هایی بسیار بیش از سرعت مسافرت در عصر امامان علیهم‌السلام و نیز وسایلی مدرن صورت می‌گیرد، چه اثری خواهد داشت؟

در پاسخ باید گفت با توجه به دو نکته می‌توان به نسبی بودن «جد فی السیر» در وسایل امروزی معتقد شد، به این صورت که در هر وسیله‌ای تا زمانی که کثیر السفر با آن وسیله با سرعت معمول حرکت می‌کند، نمازش تمام است؛ اما وقتی با سرعت غیر معمول نسبت به همان وسیله‌ای که سوار شده، حرکت کند نمازش تمام خواهد بود؛ هر چند این سرعت به مراتب کمتر از سرعت وسایل دیگر باشد.

نکته اولی که به نسبی بودن «جد فی السیر» دلالت دارد این است که در روایت‌ها یگانه نکته برای شکسته شدن نماز، «جد فی السیر» بیان شده است و نمی‌توان برای جمال و مکاری ویژگی‌ای در نظر گرفت؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن حکمتی که در بیان حکم نماز مسافر بیان شده است که خوف و حرج در سفر است. این نکته همان‌طور که در سفرهای عادی به طور معمول وجود دارد، در حالت «جد فی السیر» هر چقدر که مسافرت برای شخص عادی شده باشد، باز این نکته‌های حکمتی برایش رخ خواهد داد؛ بنابراین بعضی فقیهان مانند شهید اول نکته احتمالی این که در حالت «جد فی السیر» حکم شکسته خواندن نماز برای کثیر السفر بر می‌گردد را همین وجود حرج در حال «جد فی السیر» دانسته است.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد یگانه مناط برای شکسته شدن نماز برای کثیر السفر همین «جد فی السیر» است.

دومین نکته این است که در روایت‌هایی که حکم تمام بودن نماز کثیر السفر را بیان کرده است، افرادی با وسایل نقلیه متفاوت وجود دارند مانند مکاری و جمال که با شتر سفر می‌کنند، برید که با اسب نامه‌ها را جابه‌جا می‌کند، ملاح که با کشتی مسافرت می‌کند و حتی راعی که گوسفندهای خود را به دنبال آب و مرتع به چرا می‌برد.^۲ طبق روایت‌هایی که «جد فی السیر» را باعث شکسته شدن نماز بر می‌شمرند باید گفت که در هر کدام از این افراد که سرعت‌های متفاوتی دارند - که با سرعت غیر معمول به تناسب حال خودشان حرکت کنند - نمازشان شکسته خواهد بود و چه بسا سرعتی که اشتقان و برید با اسب در حال عادی دارند، برای جمال و به همین صورت سرعت عادی جمال برای راعی «جد فی السیر» شمرده شود. با توجه به این دو نکته به نظر می‌رسد در این عصر نیز نسبت در «جد فی السیر» وجود دارد و در هر وسیله‌ای «جد» و سرعت غیر متعارف در آن وسیله مبنای حکم قرار داده می‌شود

۱. شهید اول، ذکری، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲. صدوق، فقیه، ج ۱، ص ۴۳۹.

و حتی می‌توان وسایلی با سرعت حرکتی بالا - مانند هواپیما- را در حال عادی خارج از حکم «جد فی السیر» دانست؛ مگر اینکه نسبت به سرعت عادی خود فراتر رود.

جمع بندی و نتیجه گیری

مطابق روایات اولی، حکم افرادی مانند کرایه دهندگان چارپایان (مکاری)- که در اصطلاح فقه امروزی به آنها «کثیر السفر» گفته می‌شود- تمام خواندن نماز و گرفتن روزه است. این حکم به سبب روایات معتبری که با تعبیر «جد فی السیر» از معصومان رسیده است بر اساس حمل مطلق بر مقید تقیید می‌خورد. این روایات سفر تندتر از متعارف را از دایره حکم کثیر السفر خارج نموده و بر لزوم افطار روزه و قصر خواندن نماز حکم می‌کند. فتوا بدین مضمون گرچه به زعم صاحب جواهر مورد اعراض فقها است؛ ولی حقیقت آنکه عده‌ای از قدما و متأخران بدان عمل کرده و مطابق آن فتوا داده‌اند. لذا عدول از روایات به استناد اعراض ناصواب بوده و فتوا به تقیید کثرت سفر به جایی که «جد فی السیر» رخ ندهد تقابل با فقها نیست. حاصل آنکه این فراد در صورتی که با سرعت غیر متعارف حرکت کنند، نمازشان حتی در منزل هم شکسته است و روزه خود را نیز باید افطار کنند.

باید توجه داشت که جد در سیر یک امر نسبی است و با توجه به وسیله و میزان سرعت متعارفی که هر وسیله دارد متغیر است. بدین روی ممکن است سرعتی که برای یک وسیله سرعت متعارف است، برای وسیله دیگر جد در سیر به حساب آید.

منابع و مآخذ

۱. ابن اثیر جزری، مبارک‌بن محمد، النهاية فی غریب الحدیث و الأثر، محمود محمد طناحی، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ ۴، ۱۳۶۷ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لا یحضره الفقیه، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۲، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، میر دامادی، جمال الدین، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ ق.
۴. بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، محمد تقی ایرانی و سید عبدالرزاق مقرر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ ق.
۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، احمد عبدالغفور

- عطار، بيروت: دار العلم للملايين، ج ١، ١٤١٠ق.
٦. حرّ عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ١، ١٤٠٩ق.
٧. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر، ج ١، ١٤١٤ق.
٨. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج ١، ١٤١٣ق.
٩. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب الصلاة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ١، ١٤١٥ق.
١٠. سبزواری، محمد باقر بن محمد، ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ١، ٢٤٧ق.
١١. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الكتاب، ج ١، ١٤١٤ق.
١٢. طوسی، محمد بن الحسن، الإستهصار فیما اختلف من الأخبار، خراسان، موسوی، حسن، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ١، ١٣٩٠ق.
١٣. —، تهذیب الاحکام، خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ٤، ١٤٠٧ق.
١٤. عاملی، زین الدین بن علی، شهید ثانی، روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ١، ١٤٠٢ق.
١٥. عاملی، محمد بن مکی، شهید اول، ذکری الشیعة فی أحكام الشریعة، جمعی از پژوهشگران در مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ج ١، ١٤١٩ق.
١٦. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ٢، ١٤١٣ق.
١٧. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: نشر هجرت، ج ٢، ١٤٠٩ق.
١٨. کاشانی، فیض، محمد محسن بن شاه مرتضی، معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة، توحیدی، مسیح، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ج ١، ١٤٢٩ق.
١٩. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ج ٤، ١٤٠٧ق.
٢٠. گیلانی، ابوالقاسم بن محمد حسن میرزای قمی، غنائم الأيام فی مسائل الحلال و

- الحرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۱۷ق.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الكتب الإسلامية، چ ۲، ۱۴۰۴ق.
۲۲. مجلسی، محمدتقی، لوامع صاحبقرانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۱۴ق.
۲۳. عریضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۴. مقدس اردبیلی، ملا احمد، مجمع الفائدة و البرهان في شرح إرشاد الأذهان، آقا مجتبی عراقی، علی پناه اشتهااردی و آقا حسین یزدی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۴۰۳ق.
۲۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخوئي، پژوهشگران مؤسسه إحياء آثار آية الله العظمى خويي، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۲۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۱۱ق.
۲۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، قوچانی، عباس و آخوندی، علی، بیروت: دار إحياء التراث العربي، چ ۷، ۱۴۰۴ق.
۲۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، گروه پژوهش مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۲۹. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد، مصابيح الظلام، گروه پژوهش مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، قم: مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، چ ۱، ۱۴۲۴ق.
۳۰. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى، بیروت: مؤسسة الأعلمي للطبوعات، چ ۲، ۱۴۰۹ق.